

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپایان

سال هفدهم، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

صفحه ۱۶۹ تا ۱۸۸

## سیاست خارجی ایران و عربستان در یمن و تأثیر بازسازی مناسبات این دو کشور بر صلح یمن

حسن وزیری ستا/ دانشجوی دوره دکتری تخصصی روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان،

ایران. h.vaziriseta@yahoo.com

علیرضا رضایی/ دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

IR.Alirezarezaei@gmail.com

قاسم توایی/ دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. gh-torabi@iauh.ac.ir

### چکیده

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که بازسازی مناسبات ایران و عربستان چه تأثیری بر صلح یمن دارد؟ در این راستا با استفاده از سه متغیر نظریه روزنا یعنی؛ نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام جمهوری اسلامی و نظام سیاسی عربستان)، نقش افراد تصمیم گیرنده (تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران و عربستان) و متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین الملل (نقش آمریکا، چین و اروپا) این فرضیه را طرح نمودیم که یکی از مناطقی که می توان در آن تقابل سیاست ایران و عربستان را در آن مشاهده کرد یمن است و نگاه متفاوت ایران و عربستان به شیعیان حوثی و نقش متغیرهای محیطی باعث واکنش های متفاوت این دو کشور شده است که امروزه به دلیل رویکرد متفاوت بایدن، منافع مشترک دو کشور در راستای تثبیت قدرت منطقه ای در راستای ارزش های خود و نقش افراد تصمیم گیرنده در راستای تنش زدایی و بهبود مناسبات بر پایان جنگ در یمن و حفظ تمامیت ارضی آن تأثیر زیادی دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد رقابت میان عربستان و ایران و تعارض منافع این دو کشور در بحران یمن، یک بازی با حاصل جمع جبری صفر ایجاد کرده بود و نتیجه این بازی، چیزی جز تضاد و کشمکش نبوده است. برای برون رفت از این بحران، دو کشور به مذاکره درباره مناطق حوزه نفوذ خود و بهبود مناسبات خود روی آورده اند تا نوید بخش صلح و ثبات در یمن و امنیت منطقه ای خود شوند.

**کلیدواژه:** سیاست خارجی، بازسازی مناسبات، جمهوری اسلامی ایران، یمن، عربستان.

تاریخ تأیید ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

## مقدمه

یمن به دلیل شرایط ویژه استراتژیک و ژئوپلیتیک، دارای موقعیت منحصر به فردی در جنوب خاور میانه است. این کشور که در جنوب شبه جزیره عربستان قرار دارد، دست کم دارای چهار موقعیت ویژه ژئوپلیتیک است که عبارتند از: اشراف یمن بر خلیج عدن، اشراف کامل و بی رقیب آن بر مهم ترین تنگه استراتژیک جهان (باب المندب)، اشراف کامل بر آبراه حساس دریای سرخ، و تسلط یمن بر کوه های استراتژیک (مران) که از سواحل عدن آغاز و تا منطقه طائف در جنوب غرب کشیده می شود. با این وصف، تحولات یمن به تحول عمده در شبه جزیره و حتی مناطق اطراف آن - شاخ آفریقا - و .. منجر می شود، از این رو بررسی تحولات این کشور بسیار پر اهمیت بوده است.

گسترش نفوذ شیعیان الحوثی و انصارالله بر یمن، چشم انداز هشدار دهنده ای برای عربستان و متحدان منطقه ای آن کشور است؛ زیرا آنها از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند. خروج یمن از زیر سیطره عربستان، با توجه به جمعیت شیعیان ساکن در آن کشور و اینکه نفت خود را از مسیر تنگه هرمز (ایران) و باب المندب (یمن) به خارج صادر می کند، باعث خواهد شد آن کشور خود را در تنگنای ژئوپلیتیک ببیند. به باور عربستان، ایران در پی بهره گیری از تحولات یمن برای تحت فشار قرار دادن آن کشور، گسترش تشیع سیاسی در مرزهای جنوبی عربستان و سپس نفوذ دادن این مسئله به داخل آن کشور است؛ به این ترتیب وقایع یمن که همچون تحولات عراق، لبنان، سوریه و بحرین ویژگی های هویتی و ایدئولوژیک برای ایران و عربستان دارد، نشان می دهد این کشور همچنان به مثابه یکی از حوزه های توجه و رقابت تهران و ریاض باقی خواهد ماند. در نگاه استراتژیک ایران نیز، یمن وزنه تعادل در دریای سرخ (حیاط خلوت سعودی ها) در برابر خلیج فارس محسوب می شود؛ در نتیجه نفوذ در آن کشور به معنای ایجاد موازنه در مقابله با عربستان است. قدرت گیری حوثی ها در یمن، عربستان را در محاصره «کمر بند شیعی» و در «تنگنای ژئوپلیتیک» قرار و توان، ظرفیت و نیز اهرم های اعمال فشار ایران بر عربستان و متحدان منطقه ای آن کشور را افزایش خواهد داد (همتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۶). دشمنی و واگرایی عربستان سعودی با ج.ا. ایران در محیط منطقه ای و بین المللی کاملاً مشهود، و دو کشور مدتی است که در مسائل راهبردی و ژئوپلیتیک منطقه ای به تقابل رسیده اند. با این مقدمه، این پژوهش ما را در شناسایی بهتر زمینه های تقابل ایران و عربستان و تأثیر بازسازی مناسبات این دو کشور بر صلح یمن یاری می کند؛ پس به نظر نویسندگان این

مقاله، تداخل منافع راهبردی ایران و عربستان، موجب تقابل این دو دولت منطقه‌ای در سال‌های آینده خواهد شد و تأثیر تنش زدایی روابط این دو کشور هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، برای تثبیت قدرت منطقه‌ای و تأثیر آن در معادلات منطقه‌ای بویژه امنیت ج. ا. ایران بر اهمیت و ضرورت این تحقیق صحنه می‌گذارد. مسئله‌ای که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که بازسازی مناسبات ایران و عربستان چه تأثیری بر صلح یمن دارد؟

### چارچوب نظری

هدف روزنا از پیش‌نظریه سیاست خارجی، صرفاً بیان متغیرهای دخیل نیست، بلکه نشان دادن نقش هر کدام از متغیرها در فرایند سیاست خارجی است. به اعتقاد وی در کشورهای مختلف میزان نفوذ هر یک از عوامل چهارگانه داخلی و عامل محیط بین‌الملل در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی متفاوت است. به نظر وی میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد؛ قدرت بازیگر که کشورها را به دو دسته بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند؛ وضعیت اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه نیافته جدا می‌کند؛ ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی؛ رخنه‌پذیری و یا رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگی و در نهایت حوزه‌های موضوعی مختلف. (rosenau, 1971: 96-96)

نظریه روزنا به بررسی متغیرهای پنج‌گانه‌ای پرداخته است که در حوزه سیاست خارجی کشورها مؤثر واقع می‌شوند. این متغیرها عبارتند از:

۱. **متغیر فردی:** این متغیر به ارزش‌ها، باورها، ایدئولوژی، برداشت‌ها، تصورات و ویژگی‌های فردی و تجارب کاری تصمیم‌گیرندگان مربوط می‌شود.

۲. **متغیر نقش‌گرایانه:** این متغیر معمولاً به عنوان شرح مشاغل با قواعد رفتاری مورد انتظار از صاحب منصبانی نظیر رؤسای جمهور، وزیران، مقامات اداری عالی رتبه، نمایندگان مجلس قانون‌گذاری، روزنامه‌نگاران، رهبران اتحادیه کارگری و سایر گروه‌های ذی‌نفوذ دیگری تعریف می‌شود که در تدوین و اجرای سیاست خارجی شرکت داشته و یا روی آن تأثیر می‌گذارند.

۳. **متغیر دیوان‌سالار و حکومتی:** این متغیر به ساختار و فرآیند یک حکومت و تأثیر آن‌ها بر سیاست خارجی مربوط می‌شود.

۴. **متغیر ملی:** این متغیر ویژگی‌های ملی مؤثر بسیاری را بر نتایج سیاست خارجی را در بر می‌گیرد مانند متغیر زیست‌محیطی نظیر: وسعت، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و...

متغیرهای جمعیتی، میزان باسوادی، توزیع سنی، تولید ناخالص ملی، آهنگ رشد اقتصادی، توان نظامی و سایر عناصر قدرت کشورها را دربر می‌گیرد.

**۵. متغیر بین المللی:** این مقوله متغیرهای بسیاری را دربر می‌گیرد که نسبت به کشور مورد مطالعه متغیرهای خارجی محسوب می‌شوند. بنابراین ساختار و فرآیند کل نظام بین الملل را می‌توان در این مقوله مورد بررسی قرار داد.

در این قسمت به بررسی چارچوب نظری به بررسی نظریه تصمیم‌گیری جیمز روزنا به عنوان چارچوب مکمل‌کننده‌ی موضوع مورد بحث می‌پردازیم. در این راستا رویکردهای کلان، خرد و مختلط مورد بررسی قرار می‌گیرند که شامل پیچ‌جاء فرد، نقش، حکومتی، جامعه و متغیرهای محیطی است که در رابطه با مناسبات ایران با عربستان در صلح یمن در نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام جمهوری اسلامی و نظام سیاسی عربستان)، نقش افراد تصمیم‌گیرنده (تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران و بن‌سلمان) و متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین الملل (نقش آمریکا، چین و اروپا) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سیاست خارجی یک کشور شامل استراتژی‌هایی است که برای محافظت از منافع بین المللی و داخلی خود استفاده می‌کند و نحوه تعامل آن با سایر بازیگران دولتی و غیردولتی را تعیین می‌کند. هدف اصلی سیاست خارجی دفاع از منافع ملی یک ملت است که می‌تواند به روشهای غیرخشونت‌آمیز یا خشونت‌آمیز باشد. (Elrod, 1976: 165).

اقدامهای کلیدی سیاست خارجی عبارت است از:

۱- سیاست خارجی شامل تاکتیک‌ها و فرآیندی است که یک ملت با آن برای برقراری منافع خود با سایر کشورها تعامل می‌کند

۲- سیاست خارجی ممکن است از دیپلماسی یا سایر وسایل مستقیم‌تر مانند تجاوز به ریشه در قدرت نظامی استفاده کند

۳- نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل و سلف آن، اتحادیه ملل، از طریق دیپلماتیک به برقراری روابط بین کشورها کمک می‌کنند (Viotti, and Mark, 2011: 43).

سیاست خارجی باید روشهای تغییر دولتها را روشن کند و در تغییر رفتار سایر کشورها موفق شود. "مدلسکی، به طور خاص آن جنبه‌هایی از سیاست است که هدف آن تغییر در رفتار موجود دولت‌ها، به عنوان اهداف اصلی سیاست خارجی است. با این حال،

سیاست خارجی نه تنها تغییر نمی کند ، بلکه ادامه رفتار در دوره های مختلف است. (Dinesh, 2016: 6). یکی از نمونه های سیاست خارجی، چین است. در سال ۲۰۱۳ چین سیاست خارجی خود را به عنوان ابتکار عمل کمربند و جاده ، استراتژی کشور برای توسعه روابط اقتصادی قوی تر در آفریقا ، اروپا و آمریکای شمالی توسعه داد. سیاست خارجی همچنین می تواند تصمیم به عدم شرکت در سازمانها و گفتگوهای بین المللی باشد ، مانند سیاستهای انزواگرایانه کره شمالی. (Frazier, 2019: 13)

### اهمیت راهبردی و استراتژیک یمن برای ایران و عربستان

موقعیت ژئوپلیتیکی بابالمنندب و افزایش توان مانور منطقه ای ایران از جمله مهمترین محورهای عینی چالش ایران و عربستان محسوب می شوند. کنترل ایران بر تنگه هرمز و برخورداری این کشور از امکان بستن این تنگه در مواقع بحرانی، قدرت چانه زنی ایران را در معادلات منطقه ای افزایش داده است. بر اساس پیش فرض های آل سعود اگر ایران با این توانایی، بتواند با حمایت گسترده از حوثی ها بر یمن مسلط شود، به زودی بر باب المنندب هم مسلط خواهد شد و اثرگذاری مضاعفی نسبت به گذشته در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نسبت به عربستان برخوردار خواهد بود (زننگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

به باور عربستان سعودی قدرت یابی انصارالله در یمن و شکل گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در آن، همسو با منافع منطقه ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می شود و می توان با بهره برداری صحیح از این شرایط، به تقویت فزاینده جایگاه ایران در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا دست یافت و این مسأله همان چیزی است که عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه که دارای رژیم استبدادی هستند، به شدت از آن واهمه دارند. به عبارت دیگر، در صورت پیروزی و تسلط کامل انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت (حضور پیش تر ایران در کشورهای عراق، سوریه و لبنان)، در منطقه شکل می گیرد و این امر به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است (هاشمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۹۰-۱۹۱). در نگاه استراتژیک ایران، یمن یک وزنه تعادل در دریای سرخ (حیات خلوت سعودی ها) در برابر خلیج فارس محسوب می شود (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۴). به باور عربستان ، ایران در پی بهره گیری از تحولات یمن برای تحت فشار قرار دادن آن کشور و گسترش تشیع سیاسی در مرزهای جنوبی عربستان و سپس نفوذ دادن این مسأله به داخل آن کشور است. به این ترتیب وقایع یمن که همچون تحولات عراق، لبنان، سوریه و بحرین دارای ویژگی های هویتی و

ایدئولوژیک برای ایران و عربستان است، نشان می دهد که این کشور همچنان به عنوان یکی از حوزه های توجه و رقابت تهران و ریاض باقی خواهد ماند. خیزش بهار عربی در یمن، عملاً تقابل هویتی ایران و عربستان سعودی را نشان داد. انصارالله یمن به شکلی بی سابقه و با روش و الگوی حزب الله لبنان تلاش کرده تا از منظر راهبردی و هویتی به اهرم فشار ایران علیه سیاست سعودی در جنوب شبه جزیره تبدیل شود. عربستان سعودی با موج جدید تحولات در یمن عملاً ناامنی وجودی خود را حس و درصدد مهار آن برآمد. با سقوط صنعا در سپتامبر 2164 تحلیلگران عربستانی معتقد بودند که یمن سومین کشور عربی است که به دست ایران افتاده است (ابراهیمی و نازلیان، ۱۳۹۶: ۱۵۴-۱۵۵).

یمن اگرچه کشوری فقیر است اما از لحاظ استراتژیکی در همسایگی عربستان سعودی به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت دنیا واقع شده است و تنگه باب المندب برای آمریکا به حدی اهمیت دارد که آن را در فهرست مسیرهای هفت گانه استراتژیکی کشتی های نفتی جهان قرار داده و روزانه ۳ میلیون و هشتصد هزار بشکه نفت و تولیدات نفتی از این تنگه روانه بازارهای انرژی می شود (گازالی ۲۰۱۵: ۴-۵).

عربستان همواره برای رفع این مشکل درصدد بوده تا بخش هایی از خاک یمن را در کنار دریای عرب یا تنگه باب المندب به اشغال خود در آورد ادعاهای ارضی عربستان نسبت به خاک یمن، شامل دو سوم جنوب آن کشور بوده است. عربستان سعودی مناطق نفت خیز یمن مانند مآرب، جوف، ربع الخالی و حضرموت را متعلق به خود می داند. آمریکا و خاندان سلطنتی عربستان کنترل بر تنگه باب المندب و خلیج عدن را در صورت رویارویی با ایران که می تواند تنگه هرمز را بر محموله های نفتی و کشتیرانی بین المللی مسدود کند به لحاظ راهبردی حائز اهمیت می دانند.

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال یمن بر سه محور استوار بوده است:

حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن، ایران همواره بر این نکته که یمن باید کشوری با حفظ تمامیت ارضی باشد در دیدار با مقامات یمنی تاکید داشته است.

جمهوری اسلامی ایران معتقد است همه گروه ها، احزاب و جریان های سیاسی- اجتماعی باید در روند سیاسی و آینده یمن حضور داشته باشند و معتقد است روند سیاسی زمانی جواب می دهد که همه گروه ها در آن نقش فعال داشته باشند. زیرا حذف یکی از گروه ها یا جریان ها از سوی دولت در ترسیم آینده این کشور مضر خواهد بود و نتیجه ای نخواهد داشت.

سوم آن که ارتباط جمهوری اسلامی ایران با دولت، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به یک اندازه است. ایران، دولت یمن را به رسمیت شناخته و در این راستا نیز تبادل هیات‌های سیاسی صورت گرفته است. هیات‌هایی از یمن به ایران و هیات‌هایی از ایران به یمن سفر کرده‌اند. بر همین اساس ایران فاصله خود را با همه احزاب به یک اندازه نگه داشته است و حتی از گروه‌های مختلف دعوت کرده و آنها نیز سفرهایی به ایران داشته‌اند. حوثی‌ها نیز از جریان‌های سیاسی هستند که جمهوری اسلامی ایران ارتباط تعریف شده سیاسی خود را با آنها حفظ کرده است. در کل سه محور در سیاست خارجی ایران در ارتباط با یمن مد نظر است که بر همین منوال نیز ادامه خواهد داشت. (بک: ۱۳۹۳)

در صورت پیروزی کامل و تسلط انصارالله بر یمن ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است. واکنش شدید عربستان نسبت به این مسأله و حمله به مردم یمن هرچند امری با سابقه در برخورد با یمنی‌ها بوده است، اما با توجه به شرایط حساسی که کشورهای همسایه دچار آن هستند، موجب مخدوش شدن بیش از پیش چهره این کشور و موج انزجار مردمی نه تنها در کشورهای مسلمان که در کل جهان شده است (موسوی نژاد، ۱۳۸۸: ۴۸).

در سال ۲۰۱۵ که عربستان با حمایت کشورهای عربی منطقه و به بهانه دستیابی حوثی‌ها به موشک‌های بالستیک، حمله نظامی به یمن را آغاز کرد، از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصارالله و حوثی‌ها در این کشور که همسو با منافع ایران بودند؛ به شدت احساس نگرانی کرد. به طوری که در همین زمینه سعودالفیصل، وزیر امور خارجه وقت عربستان نسبت به نفوذ ایران در یمن هشدار داده و تهدید کرده بود که ضد جنبش انصارالله وارد عمل خواهد شد (صادقی اول و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

عربستان سعودی از جمله کشورهای منطقه است که بعد از سرنگونی صدام، خود را در رقابتی جدی با ایران قرار داد هاست و تلاش می‌کند تا در برابر ایران نوعی توازن برقرار کند و از رشد روزافزون قدرت ایران جلوگیری کند؛ به همین دلیل است که رفتاری کاملاً تهاجمی در برابر سیاست ایران در منطقه در پیش گرفته است. مقامات سعودی برای نیاورند که حمله آمریکا به افغانستان و عراق سبب برکناری رژیم‌های ضدایرانی و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در این دو کشور شد هاست. این حمله‌ها عراق و افغانستان را از موقعیت تهدید ایران خارج و به فرصتی مناسب برای ایران تبدیل کرده و توازن قوای

منطقه‌ای را به ضرر عربستان و سایر کشورهای عربی تغییر داده است و همچنین با به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و موفقیت‌های حزب الله در لبنان، روند قدرت‌یابی ایران و شیعیان در منطقه سرعت بیشتری یافته است. عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به ویژه در میان شیعیان یمن است و معتقد است که شیعیان یمنی پیوندی نزدیک با حکومت ایران و شیعیان سعودی دارند؛ به گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان یمن به سرعت بر شیعیان سعودی اثر خواهد گذاشت و سبب افزایش نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. ایندپندنت در این باره می‌نویسد:

نگرانی عربستان و دیگر اعضای شورای خلیج فارس بیشتر ناشی از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصارالله در یمن است؛ چون این گروه با منافع ایران همسوست. سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، در 23 مارس 2015 و در آستانه حمله عربستان به یمن، درباره نفوذ ایران در یمن هشدار داد و تهدید کرد که علیه جنبش انصارالله وارد عمل خواهد شد (independent, 2015).

جنبه فرهنگی خیزش انصارالله در سه محور قابل بررسی است: نخست شیعی بودن و حضور مبانی شیعه در آن؛ دوم نقد وضعیت موجود به ویژه اعتراض به فعالیت‌های سکولار دولت یمن برای مهیا کردن شرایط برای فعالیت وهابیون و دخالت‌های گاه و بی‌گاه عربستان و آمریکا در امور یمن؛ و سوم ترویج افکار امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی چون مبارزه با آمریکا و اسرائیلیان. این مسئله برای عربستان غیرقابل تحمل است و این کشور تمام تلاش خود را می‌کند تا از تبدیل انصارالله به الگویی مانند حزب الله لبنان جلوگیری کند. از این رو علت ورود مستقیم عربستان به موضوع یمن و تلاش این کشور را برای چینش عناصر دل‌خواه خود در ساختار قدرت در یمن باید در چارچوب رقابت منطقه‌ای با ایران و درک آنان از ارتباط جمهوری اسلامی ایران با جریان‌های اسلام‌گرای منطقه دانست (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۳). رهبران دولت عربستان و یمن مکرراً ایران را به حمایت از حوثی‌ها با کمک‌های مالی، آموزشی و تجهیزاتی متهم می‌کردند؛ ولی اتهامات مقامات آل سعود و یمن درباره حمایت تجهیزاتی و آموزشی ایران از حوثی‌های یمن هرگز ثابت نشد. مقامات دولت عربستان و یمن گاهی این اتهام را مطرح کردند که رهبران حوثی به دنبال منحرف کردن پیروان خود از اصول و اعتقادات میان‌هرو شیعه به سوی شکل ستیزه‌جویانه‌تر شیعه دوازده امامی مطابق با راهبرد مذهبی ایرانی‌اند (Terrill, 2011: 19).



به نظر می‌رسد که عربستان سعودی در پیشبرد دیدگاه‌ها و ایدئولوژی خود برای آینده خاورمیانه شکست خورده است و به ناچار به دنبال ترویج ترس درباره مقاصد و قابلیت‌های ایران است. این تبلیغات نشانه ترس تدافعی عربستان است؛ چون عربستان سعودی به خوبی می‌داند که تغییر در هریک از کشورهای عربی منطقه بر عربستان نیز بی‌تأثیر نخواهد بود؛ بنابراین هرگونه تغییر در یمن می‌تواند تغییر در عربستان را سرعت بخشد (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۱۴). به هر حال، عربستان سعودی تجاوز نظامی خود را به یمن واکنشی به تهدید ایران نامیده است؛ تهدیدی که به باور سعودی‌ها در قالب حوثی‌های یمن و در کنار مرزهای جنوبی این کشور قرار دارد. دولت عربستان سعودی به شدت از قدرت‌گیری حوثی‌های متأثر از انقلاب اسلامی ایران در هراس است و برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های انقلابی و شیعی به مرزهای خود و در نتیجه بیداری مسلمانان شیعه این کشور، اقداماتی تهاجمی انجام داده است. از آنجا که کنونی ایران و عربستان سعودی در حوزه کشورهای مورد علاقه آمریکا رخ می‌هد، اطلاع از انگیزه‌ها و مسائل مرتبط با این رقابت برای سیاست‌گذاران آمریکا حائز اهمیت است. عربستان و آمریکا در جهت تلاش برای مهار نفوذ ایران اغلب با یکدیگر همکاری می‌کنند که از نمونه همکاری این دو کشور می‌توان به ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عربی و بویژه عربستان اشاره کرد (شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

حمله به یمن حمله به موج جدیدی از بیداری اسلامی در منطقه و تلاش برای مهار و مدیریت غربی عربی آن است. عربستان سعودی برای دستیابی به اهداف خود از مجموعه‌ای از ابزارها از جمله کمک‌های مالی، فعالیت‌های سیاسی و ابزارهای نظامی استفاده کرده است. این کشور تلاش می‌کند تا با کمک مالی به قبایل و احزاب یمنی، اوضاع یمن را در جهت منافع خود مدیریت کند. توانمندی بستن تنگه هرمز توسط ایران به منظور فشار بر سیاست‌های کشورهای خلیج فارس و عربستان بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها اگر آمریکایی‌ها و شرکای منطقه‌ای آنها هم چون عربستان بخواهند از تنگه هرمز استفاده و ایران را تهدید کنند، اجازه ورود و رفت و آمد هیچ کشتی یا شناوری را از طرف ایران نخواهند داشت (شاهقلیان قهفرخی و جمالی، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

عربستان بشدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران بویژه در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. در واقع، مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیکترین همسایه‌های خود یعنی بحرین و یمن از مهمترین اهداف عربستان در منطقه

است. عربستان در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای بشدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل نامیده می‌شود، نگران بوده و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار «هلال شیعی» آنچه با عنوان کند. بنابراین با قدرت‌گیری انصارالله در یمن بشدت احساس خطر کرده است. به همین دلیل عربستان سعودی برای از بین بردن قدرت حوثی‌ها و تضعیف یا مقابله با نفوذ ایران در منطقه به لشکرکشی و جنگ دست زده است. در واقع، عربستان قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را همانند افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تعبیر می‌کند و خود را در محاصره شیعیان می‌بیند. مقامات سعودی بر این باورند که سیاست خارجی جدید آنها منافع عربستان را به شکل کامل تأمین خواهد کرد. از نظر آنها این سیاست می‌تواند وزن عربستان را در غرب آسیای در حال تحول افزایش دهد و به شکلی روند کارها را دوباره به سود کشورهای عربی با محوریت اهل تسنن تقویت کند. به باور آنها تغییر در کشورهای حامی ایران سبب تضعیف محور مقاومت و تقویت جریان محافظه کار با محوریت عربستان خواهد شد. از همین رو به دنبال شکست محور مقاومت به رهبری ایران هستند. پیوند محور مقاومت با ایران و ایجاد قدرتی جدید در عرصه بین‌المللی، سبب نگرانی استکبار جهانی شده است؛ بنابراین امریکا و عربستان هر جا ظرفیتی برای تقویت قطب قدرت به رهبری ایران باشد با آن برخورد خواهند کرد. یمن یکی از کشورهای راهبردی و مسلمان است که تعداد قابل توجهی از مردم این کشور شیعیان زیدی هستند و این سبب نگرانی امریکا و عربستان شده است. بنابراین عربستان با این حمله می‌خواهد مانع پیوند یمن با ایران شود.

### بازسازی مناسبات و تنش زدایی میان ایران و عربستان

سیاست خارجی عربستان تحت تأثیر جریان‌ها و تحولاتی است که در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با امنیت این کشور در ارتباط است. بنابراین هدف اصلی عربستان بقا و حفظ خویش است؛ به ویژه آنکه این کشور به دنبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال و ثبات رژیم پادشاهی خود است. عربستان در گذشته به داشتن سیاست خارجی محافظه کارانه و تاحدی میانه رو مشهور بوده است؛ اما بعد از تحولات اخیر منطقه، سیاست خارجی تهاجمی درپیش گرفته است. این سیاست خارجی تهاجمی برای حفظ امنیت رژیم این کشور است؛ زیرا آن‌ها با توجه به امواج جدید خیزش‌های مردمی در منطقه و چالش‌های خود، چاره‌ای نمی‌بینند جز اینکه در سیاست خارجی فعال‌تر عمل کنند و

حتی سیاست خارجی تهاجمی به کار گیرند. یکی از اقداماتی که آل سعود برای توجیه این سیاست خارجی تهاجمی خود انجام داده اند این است که تهدیدی منطقه‌ای را مطرح کند. از جمله آن‌ها ایران را به عنوان تهدید امنیت منطقه‌ای مطرح می‌کند. در واقع، عربستان تلاش می‌کند تا از این موضوع برای ایجاد ائتلافی منطقه‌ای علیه ایران استفاده کند، البته آمریکا و برخی از کشورهای عربی نیز از این رویکرد عربستان حمایت می‌کنند. جان مرشایمر بر این موضوع تأکید دارد که «هژمون منطقه‌ای به عنوان موازنه‌کننده ای خارجی و فراملی در مناطق راهبردی محیط منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کنند. اگرچه آنان ترجیح می‌دهند تا آخرین نیروی موازنه‌گر در ایجاد توازن باشند. آنان تا حد امکان خود را از درگیری مستقیم بیرون نگه می‌دارند. ممکن است کسی از این امر تعجب کند؛ چرا بازیگری که از مزیت نسبی نظامی دارد به وجود یک هژمون منطقه‌ای دیگر واکنش نشان می‌دهد؟ هژمون‌های رقیب منطقه‌ای همچنان می‌توانند یکدیگر را از راه برهم زدن موازنه قوا در حیات خلوت و منطقه تحت تسلط تهدید کنند (مرشایمر، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

ایران و عربستان به دلیل جایگاهشان در منطقه و جهان اسلام، نمی‌توانند در تنش همیشگی به سر ببرند؛ چراکه این شرایط به ضرر هر دو کشور است. اکنون با توجه به بررسی تاریخی روابط دو کشور، دریافتیم عامل هویت و ایدئولوژی ریشه اصلی خصومت میان دو کشور نیست، بلکه تشدیدکننده آن است. در واقع، بروز حوادث ژئوپلیتیکی در منطقه که به بساختن تصور تهدیدآمیز و امنیتی نزد دو کشور می‌انجامد باعث شکل‌گیری خصومت میان آنها شده است و عوامل هویتی و ایدئولوژیک نیز این خصومت را تشدید می‌کند. بنابراین، برای کاهش تنش میان دو کشور در ابتدا باید به حل و فصل ریشه تنش که همانا عوامل ژئوپلیتیکی است پرداخت. لذا کاهش تنش میان ایران و عربستان از طریق حل و فصل مناقشات منطقه‌ای و شکل‌گیری ثبات در منطقه امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، از آنجا که منافع ایران و عربستان با مناقشات منطقه‌ای پیوند خورده است، حل و فصل این مناقشات بدون حضور هر دو کشور غیرممکن یا سخت جلوه می‌کند. بنابراین، گام نخست در تنش زدایی میان ایران و عربستان، مذاکره آنها برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای است. اما از آنجا که این مناقشات جنبه حیثیتی پیدا کرده و برخی از آنها با امنیت ملی دو کشور پیوند مستقیم یافته است، امکان مذاکره و توافق ایران و عربستان در این باره مشکل شده است.

بعضی پژوهشگران معتقدند، بعید به نظر می‌رسد که ایران و عربستان سعودی بتوانند در مناقشات منطقه‌ای به سازش یا معامله‌حداکثری برسند؛ چراکه برای هر دو کشور، حوادث منطقه به یک بازی با حاصل جمع صفر تبدیل شده است و جنگ داخلی در کشورهای هم‌چون سوریه به نقطه‌ای رسیده است که ایران و عربستان سعودی به سختی قادر به عقب نشینی از مواضع و تعهدات خود شده‌اند (Berti, guzansky, 2014: 31). با این حال، تداوم شرایط کنونی به نفع هیچ یک از دو کشور نیست و صرفاً به هزینه منابع بیشتر از سوی آنها برای باقی ماندن در این رقابت ناسالم منجر می‌شود.

از این منظر، پژوهش حاضر الگویی جهت تنش زدایی میان دو کشور، به شرح زیر ارائه می‌کند: لازم است دو کشور با توجه به منافع و امنیت ملی خود به اولویت‌گذاری در مناقشات کنونی پردازند و در سایر مناقشات با تساهل و تسامح بیشتری برخورد کنند و در بده و بستانی ضروری به حل این مناقشات اقدام کنند. مثلاً، بحران یمن و یا بحرین برای عربستان قدر مسلم اهمیت بیشتری نسبت به بحران سوریه یا عراق دارد. در مقابل، اهمیت ژئوپلیتیک سوریه و عراق برای ایران بسیار مهمتر از یمن و بحرین است؛ چنان‌که برخی پژوهشگران معتقدند یمن اولویت بسیار کمتری برای ایران نسبت به عربستان دارد و هرگونه سرمایه‌گذاری بیشتر ایران در یمن نه تنها ممکن است منافع بیشتری برای ایران به همراه نداشته باشد، بلکه زیان بیشتری به ایران برسد (Junean, 2016: 161-662). بنابراین، دو کشور می‌توانند در مذاکرات مربوط، در مواردی که اهمیت بیشتری برای آنها دارد، درخواست امتیازات بیشتری داشته باشند و در مقابل در موارد کمتر مهم، امتیازات بیشتری را واگذار کنند.

این سخن بدین معنا نیست که مثلاً ایران در بحران یمن پشت انصارالله را خالی کند یا در مورد بحرین هیچ نقشی را ایفا نکند، بلکه بدین معنا است که اجازه دهد در این مناطق، عربستان نقش بیشتری داشته باشد؛ چنان‌که عربستان نیز باید موافقت کند در موضوع سوریه و عراق نظرات ایران پررنگ‌تر باشد. در این صورت، امکان حصول توافق در بحران‌های کنونی در سطح منطقه‌ای به وجود خواهد آمد؛ چراکه در واقع دو قطب اصلی این بحران‌ها در سطح منطق‌های ایران و عربستان هستند. البته جای تردید نیست که اکنون بحران‌های منطقه خاورمیانه جنبه بین‌المللی یافته و حل و فصل آنها به توافق قدرت‌های بزرگ هم‌چون آمریکا و روسیه نیاز دارد.

نقطه آغاز هرگونه بهبود روابط با عربستان سعودی در سطح دوجانبه نهفته است و با احترام متقابل به امنیت، مشروعیت و جایگاه داخلی و ملی و ارزش های مذهبی و هویتی نظام سیاسی مقابل شارع ملی شود. در چنین شرایطی است که انتظار کاهش تخاصم و تنش موجود و گسترش تعاملات و همکاری ها قابل تصور خواهد بود.

### بررسی متغیرهای سه گانه روزنا در بازسازی مناسبات ایران و عربستان و تأثیر آن بر صلح یمن

#### ۱- نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام جمهوری اسلامی و نظام سیاسی عربستان)

نظام سیاسی ایران ایدئولوژیک است که از ابتدای انقلاب اسلامی، با شعار نه شرقی نه غربی ندای مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از ملل مستضعف را سر داده است. لذا هر فردی که در رأس ریاست جمهوری این کشور قرار می گیرد، باید پایبند ایدئولوژی نظام بوده و منافع مرتبط با اسلامیت نظام را محترم بدارد. دولت ایران، دولتی کاملاً اسلامی و انقلابی است که با توجه به مبانی ایدئولوژیک و اسلامی خود، نقش های متفاوتی برای خود از جمله دولت غیرمتعهد و مستقل، دولت عدالت جو و ظلم ستیز در صحنه نظام بین المللی تعریف کرده است. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰).

ایران دریافته منافع مشترک ایجاب می کند که مناسبات را مدیریت کند؛ به این ترتیب، با اتخاذ سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی، روابط دوجانبه را با ریاض از وضعیت جنگ سرد به وضعیت صلح سرد تغییر دهد. جمهوری اسلامی ایران، دریافته برقراری روابط باثبات با همسایگان و به عبارت دیگر همزیستی مسالمت آمیز، برای تثبیت قدرت منطقه ای اش ضروری است.

شرکت آرامکوی سعودی که سود آن بخش بزرگی از بودجه عربستان را تامین می کند، به دلیل نادیده گرفتن مسائل مربوط به زیست محیطی با انتقادهای گسترده ای روبرو شده و به چهره عربستان لطمه زده است. نهاد سیاسی سعودی به خوبی این موضوع را درک می کند که تکیه بر موضوع «ایران هراسی» دیگر اهمیت خود را در میان کشورهای عربی از دست داده است. این موضوع را پیش از هر چیزی در تغییر گفتمان اتحادیه عرب درباره ایران می توان مشاهده کرد که بسیار انعطاف پذیرتر شده است. عربستان اکنون روی ترکیه متمرکز شده، زیرا ترکیه تلاش می کند از گروه قدرت های عادی منطقه به گروه رهبران منطقه منتقل شود. آنکارا به طور غیررسمی تلاش می کند در مناطق حضور عربستان به ویژه

در لیبی و یمن حضور داشته باشد و دشمنان یمن از جمله قطر را به سوی خود بکشاند. این موضوع خلاء خطرناکی را در ائتلاف‌بندی‌های منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد (صحابی، ۱۴۰۰: ۳).

تسری بحران در سوریه به عراق و تداوم بحران یمن از یک سو و افزایش تصاعدی تنش در خلیج فارس از سوی دیگر، ایران و عربستان سعودی را به این ادراک رسانده که باید به سمت مدیریت تعارض‌ها که ماهیت کنترل‌ناپذیر و تسری‌بخش دارند، حرکت کنند.

## ۲- نقش افراد تصمیم‌گیرنده (تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران و عربستان)

نقش به ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پرکند، از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. از آنجا که اصول و آرمان‌های کانونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مانند نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی تداوم و استمرار دارند، سیاست‌گذاران ملزم و مقید هستند که در سیاست خارجی خود آن‌ها را رعایت کنند. در نتیجه تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و در انتخاب گزینه‌ها و به کارگرفتن سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی - برای نمونه سیاست خارجی ایران در قبال عربستان - از آزادی عمل نامحدود ندارد و باید در چارچوب برخاسته از نقش خود حرکت کند (فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۱۰۱).

حمله‌های فزاینده جنبش انصارالله یمن به تاسیسات صنعت نفت و گاز عربستان و زیرساخت‌های این کشور در بنادر، فرودگاه‌ها، مراکز تامین سوخت، خشم مردم را در عربستان به دنبال داشته و آنها خواستار انتقال فوری به سوی ابزارهای دیپلماتیک هستند. در واقع، اهمیت ثبات سیاسی و ثبات اقتصادی برای «محمد بن سلمان» باعث شده عربستان سعودی در شرایط کنونی از کاهش تنش با ایران صحبت و از احیای «برجام» حمایت کند. ثبات سیاسی پس از یک دوره تنش و بحران که همه‌گیری کرونا نیز آن را تشدید کرد و به افول اوضاع اقتصادی در فضای کاهش قیمت نفت منجر شد، می‌تواند دوباره رونق را به پروژه‌های گردشگری و سرمایه‌گذاری بازگرداند. در واقع، رونق اقتصادی عربستان از سال ۲۰۱۵ و با طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ در عربستان، به طور مستقیم به نقش «محمد بن سلمان» در داخل عربستان گره خورده است. به طور طبیعی، در شرایط ثبات اقتصادی و سیاسی و

افزایش محبوبیت بن سلمان، راه هرگونه انتقال قدرت مسالمت‌آمیز در داخل عربستان هموارتر می‌شود. برخی رسانه‌های عربی اعتقاد دارند یکی از دلایل ابراز تمایل ریاض به مذاکره با تهران آن است که خاندان بن سلمان اکنون احساس می‌کنند دست برتر را در عرصه بین‌المللی دارد. دربار سعودی با انواع اهرم‌های خشن، ترور و بازداشت مخالفان، پایه‌های حکومت خود را تحکیم کرده و ریاض در عرصه بین‌المللی و در بازار نفت وضعیت خوبی دارد. بنابراین محمد بن سلمان با اعتماد به نفس کامل احساس می‌کند می‌تواند خواسته‌هایش از جمهوری اسلامی را که تحت تحریم و فشار قرار دارد، عملیاتی کند. (صحابی، ۱۴۰۰: ۵).

عربستان به عنوان سرکرده ائتلاف عربی برای به دست گرفتن افسار اقتصاد خود و تحقق سند اقتصادی موسوم به «چشم انداز ۲۰۳۰» که بیانگر بلندپروازی‌های محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در منطقه است، به توافق آتش بس و برقراری صلح با انصارالله نیاز مبرم دارد. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران نیز خواهان تغییرات مثبت در منطقه از جمله پایان یافتن مناقشه یمن است، بنابراین دو طرف در زمینه پایان جنگ در این کشور سیگنال مثبت نشان داده‌اند که توافق طرف‌های یمنی بر سر تبادل اسیران ثمره آن است (عنان، ۱۴۰۲: ۱).

ناکامی در یمن و خواست عربستان برای پایان این بحران را مهمترین عامل منطقه‌ای دانست که «محمد بن سلمان» را به سمت مذاکره و عادی‌سازی روابط با تهران سوق داده است. سعودی‌ها می‌خواهند از این جنگ فرسایشی و پرهزینه خلاص شوند اما بدون کمک ایران نمی‌توانند.

### ۳- متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین الملل

روزنا در بیان سطوح مختلف در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، در کنار سطوح خرد به نقش عامل محیطی و بیرونی به عنوان سطح تحلیل کلان اشاره می‌کند. بنابراین در این سطح از تحلیل نیز به بررسی سیاست‌های آمریکا، چین و اروپا در خصوص بازسازی مناسبات ایران و عربستان می‌پردازیم.

اگرچه ایران و عربستان هیچ رویارویی مستقیم یا مناقشه ارضی با یکدیگر ندارند اما از نظر سیاسی و رویکردی، با هم مخالف هستند و رفع این تعارض می‌تواند در تنش‌زدایی موثر باشد. نگرانی اصلی عربستان سعودی، راهبردهای تهران است و ایران نیز نسبت به همکاری ریاض با کاخ سفید معترض است. طبق این تحلیل، ترتیب‌های امنیتی در منطقه

خلیج فارس دوقطبی نیست و مثالی بوده و همیشه یک قطب نقش موازنه‌دهنده را ایفا می‌کند. در میان متغیرهای تاثیرگذار کنونی بر روابط ایران و عربستان در سطح نظام بین‌الملل، روی کارآمدن «جو بایدن» بیش از همه مورد توجه است.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و اعمال فشار حداکثری بر ایران، سعودی‌ها احساس کردند می‌توانند ایران را مهار و اهرم‌های قدرت منطقه‌ای‌اش را کوتاه کنند تا به‌عنوان یک قدرت متعارف در منطقه مطرح شوند. راهبرد دنباله‌روی سخت عربستان از آمریکا در دوره ترامپ نقش بسیار مهمی در افزایش سطح تنش با ایران داشت. روی کار آمدن «بایدن» و قدرت گرفتن دموکرات‌ها شرایط را از برخی جهات برای ریاض تغییر داد. تعلیق فروش تسلیحات به ریاض، به جریان انداختن پرونده قتل جمال خاشقجی، پرونده ۱۱ سپتامبر و قطع ارتباط مستقیم بایدن با «محمد بن سلمان» تغییر کرده و کاهش حضور آمریکا در منطقه، در تغییر ذهنیت مقام‌های تصمیم‌گیرنده سعودی نسبت به مناسبات منطقه‌ای خود نقش مهمی داشته است. پیامد استراتژی دولت ترامپ مبنی بر حمایت‌های بی‌قید و شرط از شرکای امنیتی منطقه‌ای، بی‌انگیزگی عربستان سعودی برای فعال کردن تلاش‌های دیپلماتیک با هدف حل صلح‌آمیز تنش با همسایگان بود. اکنون به نظر می‌رسد آمریکا از حمایت بی‌چون و چرای گذشته خود از عربستان دور شده است. بدون این حمایت کلی، ریاض باید جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود را کاهش داده و با رقبا سازش کند (صحابی، ۱۴۰۰: ۶). واشنگتن همچنین می‌خواهد حضور نظامی خود را در عراق و خلیج فارس کاهش دهد که این می‌تواند یکی از دلایل تمایل دولت بایدن برای کاهش تنش با ایران از طریق دور جدید و غیرمستقیم گفت‌وگوها درباره توافق هسته‌ای باشد. با توجه به مجموعه این عوامل، عربستان تلاش می‌کند از طریق مذاکره با ایران به مجموعه‌ای از اهداف برسد که بیشتر آنها با مسائل و مشکلات امنیتی این کشور در ارتباط هستند.

در جریان مذاکرات اخیر در پکن، عربستان سعودی و ایران توافق کردند که روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند و سفارت‌های خود را ظرف دو ماه بازگشایی کنند. در این توافقنامه همچنین بر "احترام به حاکمیت دولت‌ها و عدم مداخله در امور داخلی کشورها" تاکید شده است. (Gadzo, 2023) نزدیکی ایران و عربستان با میانجیگری چین نشان‌دهنده اولین اقدام پکن در میانجیگری در خاورمیانه است. با ایفای نقش خاصی که ایالات متحده نمی‌توانست ایفا کند، این اولین حمله پکن به میانجیگری در خاورمیانه بود،



منطقه‌ای که در چند دهه گذشته عمدتاً توسط واشنگتن اشغال شده بود. این میانجگری حاکی از افزایش نفوذ چین در منطقه عرب نه فقط از نظر اقتصادی، زیرا چین بزرگترین واردکننده نفت عربستان است - بلکه از نظر سیاسی نیز بود. رهبران عربستان تلاش‌های هماهنگی برای تنوع بخشیدن به روابط خارجی خود و دور شدن از وابستگی بیش از حد به ایالات متحده انجام داده‌اند. این نشان می‌دهد که نفوذ و اعتبار ایالات متحده در آن منطقه کاهش یافته است و نوع جدیدی از همسویی منطقه‌ای بین المللی در حال وقوع است که به روسیه و چین نفوذ و موقعیت جدید داده است (Turak, 2023). تسهیل مذاکرات از سوی چین، به اعتبار آن می‌افزاید و نشان می‌دهد که چین یک حضور دیپلماتیک قدرتمند و رو به رشد است. این به درک قدرت و نفوذ چین در سراسر جهان می‌افزاید و به روایت کاهش حضور جهانی ایالات متحده کمک می‌کند (Alterman, 2023).

هدف ایران استفاده از فرصت‌های اقتصادی ریاض و کاهش تنش داخلی و خارجی آن است. بدون تردید ایران به دنبال مزایای اقتصادی این روابط و دفع توطئه‌های سیاسی، تروریستی و جدایی طلبانه‌ای است که از سوی ریاض حمایت می‌شود. مذاکره تاکتیکی ریاض است و نه راهبرد کلان. در واقع، مهم‌ترین خواسته و نیاز عربستان سعودی پایان درگیری در یمن است (صحابی، ۱۴۰۰: ۸).

دلایل نگاه مثبت اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به مذاکرات ایران و عربستان عبارت است از اینکه بعد از روی کار آمدن جو بایدن، اعراب منطقه ادعا می‌کنند که باید در مذاکرات هسته‌ای حضور داشته باشند. بنابراین گرچه این ادعای اعراب در چارچوب بحث‌های برجامی قابل تحقق نیست اما می‌تواند بین کشورهای منطقه دنبال شود و شرایط مذاکره بین ایران و غرب را تسهیل کند. مذاکرات بین کشورهای منطقه به ویژه عربستان و ایران می‌تواند همان موضوع‌هایی را پوشش دهد که کشورهای منطقه و آمریکایی‌ها خواهان حل آن هستند. در واقع، وقتی خود کشورها بتوانند این پرونده‌ها را حل و فصل کنند دیگر نیازی نیست که این دو موضوع یعنی برجام و گفت‌وگوهای منطقه‌ای به یکدیگر پیوند بخورند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نوع نظام سیاسی و برداشت از نقش آن (نظام شیعه جمهوری اسلامی و نظام سیاسی نی عربستان)، نقش افراد تصمیم‌گیرنده (تصمیم‌گیرندگان

سیاست خارجی ایران و بن سلمان برای توافق ثبات و امنیت منطقه) و متغیرهای محیطی در عرصه نظام بین الملل (نقش آمریکا، چین و اروپا در ایجاد دوستی با ایران و عدم حمایت قاطع از عربستان) در بهبود مناسبات دو کشور و پایان جنگ در یمن و حفظ تمامیت ارضی آن تأثیر زیادی دارد.

بحران سرنگونی دیکتاتورهای وابسته به عربستان، زمینه توسعه نفوذ ایران در یک اتحاد طبیعی با این تحولات عربی را فراهم کرد. سعودی‌ها برای تقابل با این تهدید، با توسل به جنگ‌های نیابتی به ویژه در عراق، سوریه و یمن، سیاست تجدیدنظر طلبانه‌ای را برای انحراف بهار عربی اتخاذ کردند. هدف این سیاست مقابله با توسعه نفوذ ایران از طریق قطع دست گروه‌های حامی آن بود. اما برخلاف سیاست‌های متضاد این دو کشور؛ امروزه پیش نیاز اجرایی شدن برنامه بلند پروازانه ۲۰۳۰ عربستان برای توسعه کشور ثبات در روابط خارجی است. به نظر می‌رسد پس از دستیابی به ثبات داخلی و آرام شدن فضای ملت‌هپ داخلی بعد از قدرت گرفتن محمد بن سلمان، ریاض به سمت ایجاد ثبات و تنش زدایی در روابط خارجی حرکت کرده که یکی از اجزای مهم این راهبرد، بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران است. چرخش در سیاست خارجی عربستان فقط در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و صلح در یمن نبوده و شاهد نوعی تنش زدایی منطقه‌ای در روابط خارجی عربستان هستیم. بهبود روابط ایران و عربستان موجب بهبود روابط با کشورهای منطقه خلیج فارس، جهان عرب و جهان اسلام و حتی تضعیف پیمان ابراهیم و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه خواهد شد. هنوز گفت‌وگوهای ایران و عربستان سعودی به نتیجه نهایی و دستیابی به توافق نرسیده است و نباید روی بهبود پایدار در روابط این دو کشور حساب باز کرد و باید احتمال پیش آمدن هر نتیجه‌ای را داد. در واقع، با توجه به اختلاف‌های عمیق بین ایران و عربستان سعودی نباید انتظار پیشرفت زیاد و سریع در زمان کوتاه را داشت. با این حال، نفس مذاکرات میان این دو قدرت منطقه‌ای می‌تواند مثبت باشد.

### پیشنهادها

- مذاکرات ایران با عربستان سعودی می‌تواند به از سرگیری روابط سیاسی دو کشور منجر شود که از سال ۲۰۱۶ قطع شده اما شرط اساسی آن است که هر دو طرف به صورت راهبردی در مسیر رفع مشکلات دوجانبه و منطقه گام بردارند.

\_ نگاه عربستان سعودی به مذاکره تنها تاکتیکی و بیشتر با هدف خرید وقت بوده است تا اوضاع در عرصه بین الملل یا سرنوشت جنگ یمن مشخص شود.

ابراز تمایل ریاض به گفت‌وگو پس از وقوع چند تحول بزرگ منطقه‌ای و جهانی پررنگ‌تر شده اما هنوز تغییر خاصی در راهبرد «محمد بن سلمان» به گفت‌وگو با ایران رخ نداده است. کوشش عربستان برای ارتباط و گفت‌وگو با ایران یک سیاست راهبردی نیست بلکه تاکتیک مقطعی برای عبور از چالش یمن است. بدون شک همه اختلاف‌ها و تنش‌ها بین ایران و عربستان پایان نخواهد یافت اما اگر دو کشور تلاش کنند منطبق منازعه بین خود را کنترل کنند، می‌توان شاهد نوعی صلح سرد بین دو کشور بود. اگر عربستان تاکتیک خود را تغییر دهد و اصولی رفتار کند، این مذاکرات می‌تواند پیشرفت کند اما اگر در پی فریب و پنهان کردن مشکلات عربستان و سرپوش گذاشتن بر جرایم خود باشد، مناسبات دو کشور نمی‌تواند گسترش یابد.

گرچه آمریکا اعلام کرده، حمایت خود را از عربستان کاهش می‌دهد اما واکنش و ریاض سال‌هاست که متحد استراتژیک یکدیگر در خاورمیانه‌اند. مرور تاریخ و تحولات این منطقه نشان می‌دهد رابطه آمریکا و سعودی‌ها عمیق‌تر از آن است که با لفاظی‌های دموکرات‌ها از اساس تضعیف شود.

- همکاری همزمان چین با ایران و عربستان، یا حتی پتانسیلی که پکن برای نزدیک‌تر ساختن این دو کشور بهم دارد، شاید حتی تکرار الگوی سیاست دو ستونی نیکسون در دوره جنگ سرد را هم به اذهان متبادر کند. اما به نظر می‌رسد این برداشت هم تطبیق واقعی با انگیزه و هدف چین در خاورمیانه ندارد. اساسا با شرایط فعلی، برای الگوی رفتاری چین انگیزه سیاسی جز متوازن سازی مثبت نمی‌توان در نظر گرفت.

عادی‌سازی روابط به معنای از بین رفتن اختلاف‌ها بین دو کشور نیست همه اختلاف‌ها و تنش‌ها بین ایران و عربستان پایان نخواهد یافت اما اگر دو کشور تلاش کنند منازعه بین خود را کنترل کنند، می‌توان شاهد نوعی صلح سرد بین دو کشور و برقراری صلح در یمن بود.

## منابع و مأخذ:

- Israel Journal of Foreign Affairs. Vol 8. No 3. pp 25-34.
- Elrod, Richard B. "The Concert of Europe: A Fresh Look at an International System." *World Politics*, vol. 28, no. 2, 1976.
- Frazier ,Brionne (2019). **What Is Foreign Policy? Definition and Examples**, <https://www.thoughtco.com/foreign-policy-definition-examples-4178057>
- Gadzo, Mersiha(2023). **'Changing global order': China's hand in the Iran-Saudi deal**, aljazeera.com.
- Independent. (2015, march, 23). **"Saudi Arabia warns of Iranian-allied houthi 'aggression' in Yemen 2015"**. Retrieved from: independent.
- Juneau, Thomas. 2016. "Iran's policy towards the Houthis in Yemen: a limited return on a modest investment". *International Affairs*. Vol 92, No 3. pp 647–663.A1
- Juneau, Thomas. 2016. "Iran's policy towards the Houthis in Yemen: a limited return on a modest investment". *International Affairs*. Vol 92, No 3. pp 647–663.A1
- Rosenau,James N.(1971),**The Scientific Study of Foreign Policy**,New York: The F-Rosenau, J. (1995).Governance in the Twenty-first Century,Journal of Global Governance, Vol6, No3. ree Press.
- Terrill, Andrew. W. (2011). "The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of middle East Security". Strategic Studies Institute (SSI), USA. **"The OPEC annual Statistical Bulletin 2010/2011"**, OPEC, 2011.
- Turak, Natasha(2023). **The China-brokered Saudi-Iran deal has big repercussions for the Middle East — and the U.S.** PUBLISHED WED, MAR 15 2023:22 AM EDTUPDATED THU.
- Viotti, Paul R., and Mark V. Kauppi. **International Relations Theory**. 5th ed., Pearson, 2011.
- ابراهیمی، واحد، نازلیان، مهناز، (۱۳۹۶)، بیداری اسلامی در کشور یمن و تاثیر آن بر روابط ایران و عربستان، **سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی**.
- بک محمدعلی: تلاش برای تداوم ایران هراسی این بار از طریق یمن: **دیپلماسی ایرانی** ۱۳۹۳/۵/۱
- خضری، احسان، صفوی، سید حمزه، پرهیزکار، امین، (۱۳۹۴)، ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان؛ مطالعه موردی: سه کشور عراق، بحرین و یمن، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۷، شماره ۲۳، شهرضا.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال(بهار ۱۳۹۳)، «گفتنمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۸، شماره اول.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰)، **هویت و سیاست هسته ای جمهوری اسلامی ایران**، تهران: ابرار معاصر.
- زنگنه، پیمان، حمیدی، سمیه (۱۳۹۵)، بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۱۸، شماره ۴۸
- شاهقلیان قهرخی، رضا، جمالی، علی، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر جنگ عربستان در یمن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیستم، شماره ۱۰۰
- صادقی اول و دیگران، (۱۳۹۴) تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۳۵
- صحابی، آذین (۱۴۰۰). بازسازی رابطه ایران و عربستان؛ هر آنچه باید بدانید، **خبرگزاری جمهوری اسلامی**، کد خبر: ۸۴۵۹۸۱۴۱
- عنان، ایمان(۱۴۰۲). تأثیر مثبت روابط ایران و عربستان بر صلح یمن، **مجله راهبرد معاصر**.
- موسوی‌زاد، سیدعلی (۱۳۸۸) «شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن»، **مجله موعود**، شماره ۱۰۸، بهمن.
- واعظی، محمود، (۱۳۹۲)، **انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه**، تهران، مرکز آموزش و پژوهش های بین‌المللی
- هاشمی نسب، سعید (۱۳۸۸)، بررسی تحولات اخیر یمن، **پژوهش های منقطه ای**، شماره ۲
- همتی، مرتضی، ابراهیمی، شهروز، گودرزی، مهناز، (۱۳۹۹)، سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن، **برنامه ریزی فضایی**، دوره ۱۰، شماره ۱.
- Alterman ,Jon B.(223). **Why Did China Help Saudi Arabia and Iran Resume Diplomatic Ties?** csis.org.
- Berti, Benedetta & Yoel Guzansky. 2014. "Saudi Arabia's Foreign Policy on iran and the Proxy War in Syria: Toward a New Chapter?".